

حق است نه تکلیف، اختیار است نه اجبار

اگر این موضوع صحت داشته باشد که در لایحه جدید قانون دفاتر اسناد رسمی که در مجالس مقننه مطرح و در شرف تصویب است در مجلس شورا سن بار نشستگی سردفتران و دفتریاران از هفتاد سال که مورد تصویب مجلس سنا است به ۶۵ سال تقلیل داده شده معلوم میشود مجلس شورای ملی بدون توجه عمیق به بعضی نکات و در نظر داشتن شرایط و مقتضیات تحت تأثیر عوامل بی تفاوتی قرار گرفته است و عنایت نفرموده اند که گذشته از اینکه اساساً تعیین سن برای باز نشستگی نسبت به ما مورین و کارمندان رسمی دولت مقرر و تناسب و موقعیت دارد نه نسبت به متصدیان مشاغل آزاد که علاوه از آنکه از صندوق دولت و اموال عمومی بهره مند نشده و نمیشوند بصندوق دولت و خزانه و اموال عمومی کمک هم کرده و مؤدی مالیاتی شده و بعلاوه ناتوانیهای دستگاههای دولتی را (مانند دستگاههای وزارت دارائی و کشور...) در

انجام وظایف و تکالیف خاصه آنها عهده‌دار شده و جبران مینمایند. اصولاً مراجع امور بایستی متوجه باشند همانطور که نمیتوان گفت يك پزشك آزاد پس از رسیدن بسن معین ممنوع از ادامه شغل پزشکی است يك مدیر شرکت. يك وکیل دادگستری. يك مهندس، يك ولی صغیر. يك قيم محجور. يك مكانيك و.... (هر شاغل بشغل آزاد و متصدی امری از امور فنی جامعه و اجتماع) پس از رسیدن بسن... ممنوع از ادامه شغل و بکار بردن تخصص فنی خود میگردد نمیتوان سردفتر و دفتریار را هم که هیچ تحمیل بردولت و خزانه نبوده و فقط دارای پروانه شغل (که حاکی از تصدیق صلاحیت و اجازه برای اشتغال) است مانند پروانه پزشك آزاد و... پس از رسیدن بسن... ممنوع از ادامه شغل و تخصص خود نمود. و اینکه مقرر شده است سردفتر و دفتریار پس از رسیدن بسن ۷۰ سال بازنشسته میشود و از حقوق ناچیزی که خود سردفتران برای بازنشستگی و از کار افتادگی همکاران خود پرداخت نموده‌اند استفاده مینمایند فقط يك حق است که برای آنها ایجاد و مقرر شده که میتوانند با کناره‌گیری مجاز از ادامه کار در این سن از آن استفاده نمایند نه آنکه تکلیف و الزام باشد که نتوانند بشغل خود ادامه داده و از ادامه شغل ممنوع گردند چنین ممنوعیتی برای سردفتران و دفتریاران (و متصدیان هر شغل آزاد) نه فقط مقرون بیک مصلحت عمومی و خیر اندیشی اجتماعی نیست بلکه مستلزم و موجب این است چه جامعه از مزایا و فوائد تخصص سردفتر و دفتریار آزموده و تجربه‌دار که ظرف ۵۰ سال عمل و اشتغال بدست آورده محروم گردد. مجعلاً با هیچ منطق قابل قبول و فلسفه صحیح پذیرش پذیر مقرون نیست که شاغلین بمشاغل عمومی تجربه‌دار و دارندگان تخصصهای فنی که بمشاغل آزاد اشتغال داشته و در عداد مستخدمین و کارمندان دولت نبوده‌اند پس از رسیدن بسن معین از ادامه شغل

و بکار بردن تخصص فنی که در مدت مدیدی بر موز آن احاطه پیدا کرده‌اند بطور الزام ممنوع گردند. و بر فرض (با تأسف) بتوان همه چیز را نادیده گرفت و قلم قرمز بر مصالح اجتماعی کشید و مهر باطله شد بر تمام مبانی و اصول و قواعد عقلی زد و چنین منع و جلوگیری را نسبت بچنین اشخاصی مجاز دانست بایستی لااقل شرایط زمان و موقعیت و امکانات را در نظر داشت و متوجه بود اگر بنا باشد در سن ۶۵ سال شاغلین بمشاغل آزاد مانند سردفتران و دفتریاران بطور الزام و اجبار بعنوان بازنشسته ممنوع از ادامه شغل خود گردند. علاوه از محرومیت جامعه از تخصص و آگاهی و آشنائی بر موز يك متخصص فنی موجب خواهد گردید که تأمین همین حقوق ناچیز مقرر شده برای بازنشستگی دفعی چنین تعداد بازنشستگان را نداشته و دچار محذورات شدید گردد. آیا دولت آمادگی دارد که متناسب با نوسانها و افزایش هزینه زندگی از خزانه و بیت‌المال عمومی کسری حقوق این تعداد بازنشستگان دفعی را جبران و تأمین نماید؟ اگر دولت چنین آمادگی و مهبائی دارد بسیار خوب از سن ۵۰ سالگی بطور الزام سردفتران و دفتریاران بازنشسته شوند. فعلا در این موضوع که مجال واسعی برای بحث و انتقاد دارد باین مختصر تذکر (که تصور میرود کافی باشد) قناعت و فقط این یادآوری اضافه می‌گردد که بایستی متوجه بود تعیین سن بازنشستگی در این قانون بر مبنای قواعد پذیرفته شده دانش حقوق نسبت بسردفتران و دفتریارانی میتواند منشاء اثر باشد که پس از تصویب این قانون سردفتر و دفتریار شوند و بهیچ وجه نسبت به سردفتران و دفتریاران قبل (شاغلین فعلی) اجراپذیر نیست و نمیتوان آنها را باستناد این قانون (جدید) درس مقرر شده بطور الزام و اجبار بازنشسته نمود چه سردفتران و دفتریاران قبل از این قانون سمت‌های مذکور را برای مدت و سن معین پذیرا نشده‌اند و هنگامیکه

آنها دارای سمتهای مذکور شده اند تا سن خاصی برای تصدی آنها مقرر نبوده است و با قانون جدید است که مدت خاص مقرر گردیده و به عبارت دیگر تا سن معین بسمتهای مذکور پذیرفته میشوند که نمیتواند نسبت بسابقین مورد عمل و اجرا گردد. امید است نمایندگان مجلس شورای ملی (و اولیاء امور) توجه به این نکته قانونی داشته باشند تا موجب نشود نظریات و مصوبات آنها در ردیف نظریات و مصوبات بعضی از دوره ها در صفحه غبارزده تاریخ این کشور کهن سال (نه در صفحه زرین تاریخ) ثبت گردد.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 رتال جامع علوم انسانی

وقتی ثروتهای بزرگ بدست افراد مردم میافتد در پرتو آن نیرومند میشوند و در سایه نیرومندی و ثروت خیال میکنند میتوانند در خارج از وطن خود زندگی نموده خوشبخت و سرافراز باشند ولی بزودی میفهمند که اشتباه کرده اند و عظمت هرملتی فقط بر روی خرابه های وطن خویش است و بس.

منتسکیو

این صفحه در اصل مجله ناقص بوده است

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

این صفحه در اصل مجله ناقص بوده است

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی